

ماده ۱۷ - قانون بیمه اجباری ہے نہ بیماری دلد نہ صندوق آسین

① خسارت وارده به وسیله تلبه مسبب حارثه و صحوالات آن

② خسارت مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات ایمنی یا رادیواکتیو

③ اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود مُل غدرسی، سقواضین

اثبات خدعموبانی

④ جریمه یا جزای نقدی

در موارد زیر صندوق مطلق است بدون افذ تقنین ^{از آن دیده}
خاست زبان دیده
را بر داشتند
را نند سب عارته

① نداشتن بیمه، انتضاد یا بطلان بیمه نامه
اول صندوق پرداخت می کنند بعد مطلق است
به راننده سب عارته رجوع کند

② تعلیق یا لغز پروانه یا در سلسله بیمه گر
اول صندوق پرداخت می کنند بعد مطلق است
بیمه گر
به مدیران آن
بهرامه کند

③ شناخته نمودن وسیله نقلیه مسبب حارثه

اول صندوق پرداخت می کنند

پس از شناخته نمودن وسیله نقلیه

اگر بیمه دارد

به بیمه گر
یا

صندوق تلف است

راهنده مسبب حارثه اگر بیمه ندارد

④ زبان دیدگان داخل وسیله نقلیه بیسی از ظرفیت مجاز

مبلغ پرداختی بیمه کس میانی زبان دیدگان تسهیم

طایفه التفتاد را صندوق تأمین می دهد.

۱ بعد مطلق است بر راننده مسبب حادثه رجوع کنند

⑤ زیان دیگران خارج از وسیله نقلیه بدین از تعهدات بیمه گر

سقف تعهدات ^{بدنی} ۱۰٪

مبلغ پرداختی بیمه ← میان زیان دیگران تقسیم

مابه التفاوت را صندوق تأمین می دهد.

صندوق نمی تواند به راننده مسبب حادثه رجوع کند

در تمام مواردی که

اے بازیافت داریم

صندوق (ملف است)

صندوق (می تواند)
(ماره ۱۵)

استاد ریاضی به زبان دیده

در حکم سند لازم الاجرا

اتلاف ہے شخص مستحقاً خسارتی وارد می کند
(وامعہ صغریٰ)

بالمباشرہ

۱۔ مستلک محض (نوی) ہے کافی است خسارت مستند بہ عامل زیان باشد

۲۔ قہر مآھرہ از برداشت خسارت صحت می کند

مغل زیان بار

+
ورود ضرر

۳۔ ارکان اتلاف ہے + مستند بہ عامل زیان

تسبیح ← ضرر دارد می شود به صَدْرَت غیر مستقیم

زمینه ساز درد حنارت .
با واسطه

پوست مرز درخیا بان رهای نم

له فزری سری خورد دست اوی نمند

مسئولیت مبتنی بر تقصیر (رابطه سببیت + تقصیر)

فعل یا ترک فعل زبان بار

+
تقصیر

← ارکان تشبیب

+
درد حسارت

مستند بودن به عامل زبان

رابطه سببیت

مراتب

تقصیر

عمد

در علم عمد = در سرازیری با سرعت بالا حرکت کردن
تقصیر به معنای اخس رتبی یا نفی

اجتماع اسباب

با چند سبب مواجهیم

۱- طوولی - سلسلہ وار دہلی از بس دگر
بابت ورود خسارت
سندہ اند
۲- عرضی در بنا رعم

عامر ے قصد ورد خسارت دارد.

سب ے ے غیر مجاز (عدوان) ے قصد ورد خسارت ندارد
ولی کارش مجاز نیست.

(رطب و مانون)

ے مجاز

شدَّ سهر دای، رانهای داندی

احتماع طولی اسباب

مستلک اشتزالی (ماری)

← عامده + عامده ← شرکت در جرم

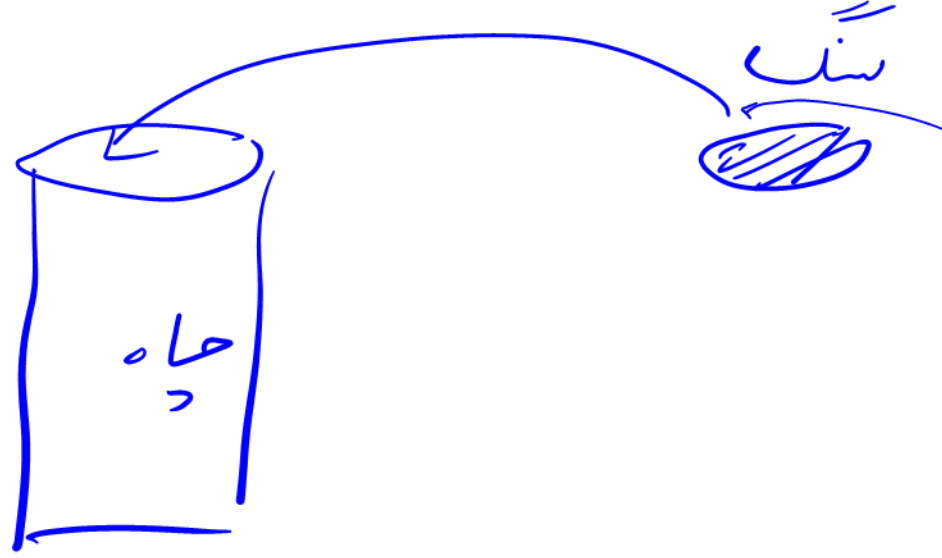
← عامده + غیر مجاز ← مستلک بر عهدہ عامده ^{نقطه}

← عامده + مجاز ← مستلک بر عهدہ عامده ^{نقطه}

← مجاز + مجاز ← مستلک وجود ندارد

← غیر مجاز + غیر مجاز ← سبب مقدم در تأثیر ^{نقطه}

==



اضجاع طری اسباب

احتمال عرضی اسباب در سبب در کنار هم باعث
ورود ضارت می شوند.

سبب
یک نفر آب را میخورد
۳٪

سبب
یکی غذا را آلوده می کند
۷٪
اسب می برد

جران ضارت ۵۰ ۵۰ اصل صندوق استرالی (صدای)

~~میزان تأثیر فشار هم نیست *~~

در مباشر در کنار هم خنثی دارند
مسئله استرالی

میزان تأثیر رفتار هم نیست
مباشر

یک نفر چاق می زند
یک نفر با مشت می زند
مباشر

اسب می میرد
هر دو صادی
مسئله جبران
منازلت

* اجتماع سبب و مباشر = کی چاہتی زندگی ۸٪ مباشر
کی ایک واسطہ کی زندگی ۲۰٪ سبب

۱۔ پہلے اول = عاملی زبان مستند بہ ادب

پہلے دوم = بہ ہر در مستند بود = ہر یک بہ میزان تاثیر رفتار

پہلے سوم = میزان تاثیر رفتار را ندانیم = اصل مسئلہ اشتراکی

پہلے چہارم = اگر مباشر جاہل، بی اختیار، مجنونہ صغیر غیر صغیر

۱۔ فقط سبب مسئلہ زبان صارت
(سبب اقصی از مباشر)

